

## بررسی تطبیقی درون مایه‌های ادبیات پایداری\*

(نمونه موردی: شعر سیدحسن حسینی و محمود درویش)

\*\* صابره سیاوشی

\*\*\* گلفام واعظی

### چکیده

ادبیات پایداری از مهمترین موضوعات اجتماعی است که از جایگاه ویژه‌ای در میان پژوهشگران برخوردار است. این گونه ادبی در بردارنده عناوینی چون سرزمین، مردم، دین، مبارزه، رهبری، آرمان، شهید، و... است. شعر مقاومت فلسطین و شعر دفاع مقدس ایران، به عنوان بخشی از ادبیات پایداری ملل در انعکاس اوضاع و احوال جبهه‌های نبرد با متجاوزین، نقش پررنگی دارد. فلسطین و اشغال آن از جمله مسائل مورد توجه جهان امروز است و حوادث مربوط به دوران انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی نیز از اموری است که ایران در تاریخ نه چندان دور خود شاهد آن بوده است. از همین روی موضوع فلسطین و اشغال آن و حوادث مربوط به دوران پس از انقلاب ایران بازتاب وسیعی در ادبیات هر دو

\* تاریخ دریافت: 92/2/4

تاریخ پذیرش: 92/5/12

\*\* استادیار گروه ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی [saberehsivashi@yahoo.com](mailto:saberehsivashi@yahoo.com)

\*\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کشور و آثار شاعران آنها داشته است. بررسی مبارزه مقدس دو کشور از طریق تحلیل مفاهیم ادبیات پایداری در شعر دو شاعر بزرگ ایران و فلسطین می‌تواند سهم بسزایی در معرفی ادبیات معاصر جهان و پیشبرد اهداف آن از دریچه مطالعات تطبیقی داشته باشد. سید حسن حسینی و محمود درویش در ادبیات عربی و فارسی از شاعران بزرگ مقاومت به شمار می‌آیند.

**واژگان کلیدی:** مطالعات تطبیقی، ادبیات پایداری، ایران، فلسطین، سیدحسن حسینی، محمود درویش.

## مقدمه

ادبیات مقاومت صدای جاودانه‌ای است که هرگز خاموش نمی‌شود و برای خود پایانی نمی‌شناسد. ادب پایداری از نوع ادب متعهد و سیاسی است و محتوای آن بیان تلاش‌ها، ایثارها، رزم‌ها، محرومیت‌ها و مظلومیت‌های ملتی است که برای دفع تجاوز نظامی، فرهنگی، دینی، سستی، ملی دشمنان قد برافراشته است و در این مسیرنج دیده و حرمان کشیده است (کیهان فرهنگی، شماره 79: 34). شعر مقاومت فلسطین و شعر دفاع مقدس ایران به عنوان بخشی از ادبیات پایداری ملل، در انعکاس اوضاع واحوال خاص جبهه‌های نبرد با متجاوز، نقش مهمی دارند. نقش ادبیات مقاومت فلسطین به طور کلی برانگیختن، بسیج کردن، ایجاد هوشیاری قومی، وطنی و گرایش اندیشه عمومی به سمت قیام است که به مسئله مبارزه کمک می‌کند (کنفانی، 1968: 5). در ایران نیز مسائل و رویدادهای دوران انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس و جنگ تحمیلی و ابعاد و گستردگی خاصش، بازتاب جدیدی در ادبیات داشته و تصاویر تازه‌ای را در قلمرو شعر دفاع مقدس پدید آورده است. امروزه نیز تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار شاعران فلسطینی و ایرانی از استقبال چشمگیری در میان جامعه دانشگاهی برخوردار است؛ به ویژه آن که ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی گام‌های بلندی را در این عرصه برداشته است و اکنون این کشور ایران است که باید گام‌هایی را در زمینه ادبیات تطبیقی با مطالعه و تألیف کتب و انجام پژوهش‌های نوین در این زمینه بردارد.

### بیان مسأله

مسأله فلسطین و اشغال آن از جمله موضوعات قابل توجه جهان امروز است و در عرصه سیاسی، اجتماعی دنیا جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. نزاع میان صهیونیست‌ها و فلسطینیان از سال 1948 آغاز شد، و مردم فلسطین را دستخوش جنگی طولانی نمود. از دیگر سو حوادث مربوط به دوران انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس ایران نیز همواره در عرصه اجتماعی مورد توجه بوده است. ادبیات هر ملتی از دیرباز ابزاری در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های آن ملت است و شعر نیز که گونه‌ای ادبی است با بهره‌گیری از قوه خیال و عاطفه‌ای صادقانه، تأثیری شگرف و خارق‌العاده در تحریک مخاطب دارد. لذا ادبیات پایداری که در جریان مقاومت‌های خونین و پیوسته مردم فلسطین و شاعران متعهد آن از جمله محمود درویش در بین کشورهای عربی و مبارزات مردم در دوران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در ایران پا گرفت از مهمترین گونه‌های ادبی است که پیوسته مسیر پیشرفت و تکامل را طی می‌کند. اگر این ادبیات نبود، ملت فلسطین از ذهن تاریخ فراموش می‌شد و نمی‌توانست در تغییر معادلات منطقه‌ای و جهانی به سود سرنوشت خود نقشی ایفا کند (سلیمان، 1375: 240). لذا در این پژوهش به بررسی درونمایه‌های شعر پایداری در شعر شاعر ایرانی "سیدحسن حسینی" و شاعر فلسطینی "محمود درویش" پرداخته شده است.

### پیشینه پژوهش

سید حسن حسینی و محمود درویش در چارچوب ادبیات پایداری از جایگاه درخوری در ادب پارسی و تازی برخوردارند و به ویژه در سالهای اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. از پژوهش‌های تطبیقی که به بررسی شعر مقاومت فلسطین

و ایران پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش خانم شهرزاد تیربند (1377) با عنوان «فلسطین در شعر سمیح القاسم و محمود درویش» اشاره کرد. پایان‌نامه مذکور به تحلیل اشعار پرداخته است. ایشان در بخش سوم پژوهش خود تا حدی توانسته است اشعار را مورد تحلیل قرار دهد، اما در برخی نقل قول‌های خود جانب امانت علمی را رعایت نکرده است و برخی ارجاعات ناقص از ارزش کار او کاسته است. در ادبیات فارسی نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم صغری یوسفی اروند (1384) با عنوان «تحلیل و بررسی درون مایه شعر سپید انقلابی (قیصر امین پور، سید حسن حسینی، علیرضا قزوه و سلمان هراتی)» به بررسی ویژگی‌های ادبیات و شعر انقلاب و زندگی شاعران مذکور و تحلیل و بررسی درون مایه شعر این عصر پرداخته است. این پایان‌نامه نیز بیشتر به صورت موضوعی عمل کرده و از نقد بهره کمی برده است. پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم فاطمه بختیاری (1388) با عنوان «ادبیات مقاومت ایران و فلسطین در شعر محمود درویش و قیصر امین پور» با تأکید بر شعر شاعر فلسطینی محمود درویش و شاعر ایرانی قیصر امین پور به بررسی شعر مقاومت میان این دو کشور پرداخته است. تلاش پژوهشگر بر آن بوده که بارزترین اشعار مربوط به مقاومت گلچین گردد. از موارد مثبت این کار، آن است برای آشنایی بیشتر خواننده، در پاورقی به نمونه‌های بیشتری ارجاع داده شده است. پایان‌نامه مقطع دکتری خانم مرضیه زارع زردینی (1378) با عنوان «ادب (شعر) المقاومة فی فلسطین و ایران» نیز به بررسی ادبیات مقاومت ایران و فلسطین می‌پردازد و با وجود اینکه خانم زردینی در مقدمه به شکل کلی نمونه‌هایی را از شعر دو گروه آورده است، اما در مقدمه بیان داشته، که تأکیدش روی اشعار "درویش" و "امین پور" است، اما نمونه‌های ذکر شده این ادعا را ثابت نمی‌کند. ایشان در قسمت تحلیل و بررسی به بیان ویژگی‌های مشترک مقاومت ایران و فلسطین

پرداخته است و تعامل این دو کشور با میراث دینی و تاریخی و اسطوره‌ای را به صورت کلی بررسی و مورد مقایسه قرار داده است. تفاوت پژوهش در دست انجام با پژوهش‌های مذکور اختصاص بحث به دو شاعر برجسته از ایران (سید حسن حسینی) و عرب (محمود درویش) و تمرکز بر روی مفهوم مقاومت و درون مایه‌های ادبیات پایداری است که تاکنون در این زمینه پژوهشی صورت نگرفته و از این حیث، کاری نو و تازه به شمار می آید.

### اهداف پژوهش

این پژوهش در پی دستیابی به اهداف زیر است:

- ارائه تحلیلی که نشانگر میزان تأثیر مسأله فلسطین و اشغال آن و حوادث انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ایران بر ادبیات این دو ملت باشد.
- بررسی ارتباط و پیوند ادبیات ایران با عرب در زمینه ادبیات پایداری.
- بررسی تطبیقی درون مایه‌های ابیات مقاومت در اشعار حسن حسینی و محمود درویش.

### روش کار

روش پژوهش تحلیلی - توصیفی است که با بررسی و تحلیل ادبیات پایداری دو شاعر بزرگ ایران و فلسطین و با رویکردی تطبیقی انجام می‌پذیرد. داده‌های اصلی مورد استناد در این پژوهش، «الأعمال الكاملة» از محمود درویش در دو جلد، و دفاتر شعری «همصدا با حلق اسماعیل» و «گنجشک و جبرئیل» از سید حسن حسینی است.

### سوالات اصلی

پژوهش حاضر می‌کوشد تا به سوالات زیر پاسخ دهد:

- عوامل ظهور وجوه مقاومت در شعر «سید حسن حسینی» و «محمود درویش»

چیست؟

- درونمایه‌های مقاومت در شعر شاعران مورد نظر کدام است و این موارد چه

همسانی و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟

- سید حسن حسینی و محمود درویش در روی‌آوری به شعر ادبیات پایداری

دارای چه انگیزه‌ها و اهداف مشترکی هستند؟

### مفهوم شناسی ادبیات تطبیقی

«ادبیات تطبیقی» از دو بخش «ادبیات» و «تطبیقی» ترکیب یافته است. پژوهشگران

در تعریف «ادب» وحدت نظر ندارند و گفتگوی ایشان در این باره به درازا کشیده است

و ما هم در صدد اثبات یا نفی هیچ کدام از این تعاریف نیستیم. اما درباره واژه

«تطبیقی» نباید مفهوم لغوی آن را مدنظر داشت بلکه باید معنای تاریخی این واژه را

در نظر بگیریم. ادبیات تطبیقی به معنای نقد و بررسی ادبیات ملی و قومی و رابطه

تاریخی آن با ادبیات بیگانگانی است که ادبیات آنها از مرز قومی و مکتوب آن

فراتررفته است (غنیمی هلال، 26: 1373 و 27). قرن نوزدهم را قرن پیدایش ادبیات تطبیقی

نامیده‌اند. نخستین عامل در پیدایش ادبیات تطبیقی ظهور جنبش رمانتیسم در فرانسه

بود (محمدعلی حنطور، 2008: 39). بنابراین ادبیات تطبیقی روش جدیدی از روش‌های

بررسی ادبیات است و معنای اصلی خود را در قرن 19 پیدا کرده است (الراجحی،

1428: 197).

ادبیات تطبیقی در ابتدای قرن بیستم در فرانسه به تکامل می‌رسد و دانشگاه سوربن فرانسه یکی از مراکزی بوده است که به شکوفایی این مکتب کمک فراوانی کرده است (کفافی، 1972:290) در ادب عربی با وجود اینکه در اواخر دهه چهل، افرادی مانند عبدالرزاق حمید و ابراهیم سلامه هر کدام جداگانه کتابی در رابطه با ادبیات تطبیقی نوشته‌اند، اما باید محمد غنیمی هلال را بنیان‌گذار ادبیات تطبیقی در معنای تخصصی آن دانست؛ چرا که نام این نویسنده، با ادبیات تطبیقی در آمیخته است او در سال 1953 کتاب "الأدب المقارن" را به شکلی روشمند درباره ادبیات تطبیقی تالیف کرد. تسلط و شناخت کافی نویسنده نسبت به ادبیات فرانسه، فارسی و انگلیسی نقش به‌سزایی در شناخت همه جانبه و دانش گسترده این پژوهشگر در پیوند با ادبیات تطبیقی داشته است. البته حسام خطیب در این باره دیدگاه دیگری دارد و بر این باور است که "روحي الخالد" از جنبه زمانی و علمی بنیان‌گذار حقیقی ادبیات تطبیقی در زبان عربی است (خطیب، 1993:91). این در حالی بود که اصطلاح ادبیات تطبیقی را در اروپا نخستین بار ویلمن فرانسوی در سال 1827 م. به کار برده بود. سپس سنت بوو دیگر منتقد مشهور فرانسه، آن را رواج داد. اما این ادبیات تطبیقی که ویلمن و سنت بوو از آن می‌گفتند شیوه و روش علمی و مشخصی نداشت و در واقع، فقط نوعی مقایسه بین شاعران کشورهای مختلف بود (زرین کوب 1361:125 / 1). از موارد یاد شده می‌توان نتیجه گرفت: "ادبیات تطبیقی" نوعی پژوهش جدید ادبی است که خاستگاه غربی دارد و اکنون به تدریج در مطالعات ادبی شرقی‌ها جایگاه ویژه‌ای برای خود می‌یابد. بی‌گمان این نوع ادبی در گذر زمان رشد کرده و اهتمام بیشتر محققان عرب را به خود معطوف خواهد کرد (طه، 1387:11). علاوه بر این، ادبیات تطبیقی و نتایج حاصل از آن، در کشف پیوندهای ادب جهانی در مقایسه با بحث‌های کم ارزش



سستی که تحت عنوان "سرفات ادبی" انجام می‌شود، افقی گسترده‌تر و نظری عمیق‌تر و ثمراتی پربارتر دارد (غنیمی هلال، 1373: 34).

### مفهوم شناسی ادبیات پایداری

ادب مقاومت در مفهوم امروزی خویش بعد از جنگ جهانی دوم و با انحصار طلبی دولت‌های آمریکایی و اروپایی شکل گرفت. حوادث قرن بیستم مانند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و اشغال فلسطین و تهاجم به کشورهای اردن، سوریه، لبنان، مصر و انقلاب اسلامی ایران باعث آفرینش آثاری کم نظیر در حوزه ادبیات ملل شرقی و اسلامی شد (شکری، 1366: 91). مفهوم مقاومت، پایداری و دفاع، مفهومی عام در فرهنگ ملت‌هاست. این مفهوم کاملاً ارزشی تلقی می‌شود؛ چرا که یک واکنش غیرارادی در برابر تهاجم است. ادبیاتی که زائیده مفهوم مقاومت پایداری است در حوزه‌های محتوایی و موضوعی زیر به خلق اثر می‌پردازد:

1- دعوت به مقاومت

2- توجیه حقانیت

3- توصیف فاجعه

محتوای ادبیات پایداری مشتمل بر طرح حوزه‌های مذکور است؛ البته گاه شعری یافت می‌شود که هر سه حوزه مزبور را با هم در بر می‌گیرد؛ یعنی گاه ضمن بیان شجاعت و ستایش فتوحات، "آرمان‌ها" را توصیف می‌کند و ضمن سوگواری "بیان شجاعت" صورت می‌پذیرد (کاکائی، 1380: 55-56). ادبیات پایداری عبارت است از آثاری که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت، سرزمین و

سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرند. بنابراین جان مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضدآزادی در ارتباط است (سنگری، 1380: 1/9). بنابراین آنچه در خلال این بررسی‌ها، به صورت سروده‌ها و نوشته‌هایی آمده است که به نوعی هم‌دلی میهنی و یا مردمی در برابر تجاوز است در قالب ادبیات پایداری قابل طرح است. به عبارت ساده‌تر؛ سروده‌ها و نوشته‌هایی که موضوع اصلی آن دعوت مردم به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین است، تحت عنوان ادبیات پایداری (ادبیات مقاومت) قابل بررسی است (کاکایی، 1380:9).

#### محمود درویش و آثار او:

محمود درویش از شاعران بزرگ و نامی جهان عرب در 13 مارس 1941 در شهر عکا متولد شد. در 1948 اشغالگران اسرائیلی زادگاه او را به آتش کشیدند. شاعر شاهد حمله آنان بود و در شعر "سجّل" آن صحنه را به تصویر کشیده است (جحا، 1999: 471). درویش پس از ترک فلسطین در 1971 و استقرار در بیروت، به عنوان شاعر برتر مقاومت شناخته شد و آوازه جهانی یافت (اسوار، 1358: 37). وی عنوان "شاعر اول مقاومت" را گرفت. از دیگر لقب‌هایی که به محمود درویش داده شده است، می‌توان به "شاعر المقاومة"، "شاعر القضية"، "ضمیر فلسطین"، "مجنون التراب" و "عاشق الأرض" اشاره کرد.

#### آثار منظوم:

آثار محمود درویش به دو دسته شعری و نثری قابل تقسیم است:

آثار شعری درویش به قرار زیر است:

«أوراق الزيتون» (1964)، «عاشق من فلسطين» (1966)، «آخر الليل» (1967)، «حیبتی تنهض من نومها» (1970)، «العصافیر تموت فی الجلیل» (1970)، «أحبك أو لا أحبک» (1972)، «محاولة رقم 7» (1974)، «تلك صورتها وهذا انتحار العاشق» (1975)، «أعراس» (1976)، «مدیح الظل العالی» (1983)، «حصار لمدائح البحر» (1984)، «هی أغنیة، هی أغنیة» (1986)، «ورد أقل» (1986)، «مأساة النرجس وملهامة الفضة» (1989)، «أرى ما أريد» (1990)، «أحد عشر كوكبا» (1992)، «لماذا تركت الحصان وحيدا» (1995)، «جداریة» (2001)، «كزهور اللوز أو أبعد» (2005)، «الفراشة» (2008)، «لا تعتذر عما فعلت» (2003) و «سریر الغریبة» (2000).

#### آثار منشور:

«یومیات الحزن العادی» (1976)، «وداعا لیتها الحرب» (1974)، «ذاکرة للنسیان» (1987)، «فی وصف حالتنا» (1994)، «الرسائل المتبادلة بین محمود وسمیح القاسم» و «عابرون فی کلام عابر»، آثار منشور این ادیب را تشکیل می‌دهند. (شاکر، 2004، ص 5) محمود درویش در تاریخ 2008/8/9 درگذشت.

#### سید حسن حسینی

سید حسن حسینی در سال 1335 در محله سلسبیل تهران به دنیا آمد. وی بعد از دریافت دیپلم طبیعی، لیسانس تغذیه را از دانشگاه مشهد دریافت کرد. سپس فوق لیسانس و دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی گذراند. ایشان از سال 1352 نوشتن و سرودن را در مطبوعات قبل از انقلاب علی‌الخصوص مجله فردوسی آغاز کرد و در سال 1358، حوزه اندیشه و هنر اسلامی را که به همراه استاد محمدرضا حکیمی راه‌اندازی کرد که مسئولیت بخش ادبیات و شعر را به همراه قیصر امین‌پور برعهده داشت.

اوسالهای پایانی عمرش را به سبک شناسی قرآن و زبان شناسی حافظ مشغول بود و در 9 فروردین 1383 بر اثر سکته قلبی درگذشت. دکتر سید حسن حسینی در چهارمین همایش چهره‌های ماندگار در سال 1383 مور تقدیر قرار گرفت.

### آثار

هم صدا با حلق اسماعیل (شعر، سال 1363 انتشارات سوره مهر): این اثر یکی از دفتر شعرهای منتشر شده در دهه شصت است.

براده‌ها (مجموعه‌ای از تأملات اجتماعی و ادبی، سال 1365 انتشارات سوره مهر)؛ بیدل، سپهری و سبک هندی (پژوهشی در زمینه سبک شناسی، سال 1367)؛ گنجشک و جبرئیل (شعر، سال 1370 نشر افق)؛ مشت در نمای درشت (مقایسه ادبیات و سینما از طریق معانی و بیان، سال 1371)؛ گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس (شعر، انتشارات سوره مهر)؛ نوش داروی طرح ژنیک (شعر طنز، انتشارات سوره مهر)؛ طلسم سنگ (نثرهای عاشورایی، انتشارات سوره مهر)؛ شقایق نامه؛ در ملکوت سکوت (شعر)؛ از شرابه‌های روسری مادرم (ترجمه گزیده‌ای از آثار جبران خلیل جبران، سال 1364)؛ سفرنامه گردباد (مجموعه شعر، انتشارات انجمن شاعران ایران).

### درون مایه‌های شعر پایداری در شعر سید حسن حسینی و محمود درویش

در این پژوهش به بررسی درونمایه‌های ادبیات مقاومت در شعر دو شاعر مذکور با محوریت مضامینی چون عشق به سرزمین، مردم، مبارزه، رهبری، شهید، دشمن، آرمان، اعتراض، صلح و آزادی و... می‌پردازیم. برای شرح این عناوین، شاهد مثال‌هایی از دو شاعر ارائه و مورد تحلیل قرار گرفته است. این مضامین به قرار زیر است:

## عشق به سرزمین

وابستگی و تعلق به مکان، از یک سو در انسان حس وطن پرستی و عشق به سرزمین وزادگاه پدری و مادری و ازدیگر سو وحق تابعیت و شهروندی را فراهم می‌کند (کرانگ، 1383، ص 144). به خاطر همین تعهد اجتماعی است که در صورت بروز شرایط جنگ و تجاوز، دفاع از سرزمین و پایداری در برابر دشمن اشغالگر شکل می‌گیرد.

أَموتُ إِشْتِیَاقاً / أَموتُ إِحْتِرَاقاً / وَشَنْقاً أَموتُ / وَذَبْحاً أَموتُ / وَلَكِنِّی لَا أَقُولُ / مَضَى حَبْنًا وَانْقَضَى / حَبْنًا لَا یَموتُ (درویش، 1994: 1/172).

ترجمه: به خاطر اشتیاقی که به تو دارم می‌میرم، خواه با سوختن، خواه با اعدام شدن، خواه با ذبح شدن، ولی از عشقم دست نمی‌کشم، و نخواهم گفت: دوران این عشق سپری شده است؛ زیرا عشق نمی‌میرد.

«عشق به وطن و سرزمین مادری با عناوین مختلف و در جای‌جای دیوان محمود درویش دیده می‌شود» (محمدی روزبهانی، 1389: 111). درویش در راه عشق به وطنش حاضر است مرگ را با گونه‌های مختلف آن و در سخت‌ترین شرایط تجربه کند و باز به خاطر همین عشق و وابستگی که به سرزمین خود دارد حاضر نیست دست از مقاومت بردارد.

در ادبیات پارسی نیز سیدحسن حسینی همین مفهوم را در قالبی زیبا و با یاری صنایع ادبی همچون تشبیه و استعاره به نیکویی بیان کرده است. او از مقاومت سرزمین خود در برابر ویرانی سخن می‌گوید و سرزمینش را چون یک باغ می‌داند و دشمن را همانند طوفانی آتش افروز می‌شمرد که قادر نیست سرزمینش را نابود کند.

هرگز نمی‌تواند، این باغ را بسوزد      طوفان آتش افروز با یاری تبرها

(حسینی، 1387: 26)

### تشویق و تهییج مبارزان

مبارزان در راه دفاع از سرزمین و ثابت قدم بودن در این مسیر به تشویق و تهییج و انگیزش عواطف درونی خود نیازمندند. تحقق این امر، بیشتر به واسطه سروده‌های شاعران مقاومت همچون محمود درویش نمود می‌یابد. او و همفکرانش بر این اعتقادند که «شعری که نتواند چراغی از خانه‌ای به خانه‌ای حمل کند، شعر بی‌طعم و رنگ و بویی است» (درویش، 1964: 93).

وَلَا أَقِفُ / وَلَا أَهْفُوإِلَى نَوْمٍ وَأَرْتَجِفُ / لِأَنَّ سَرِيرَمَنْ نَامُوا / بِمُتَّصِفِ الطَّرِيقِ  
... / كَخَشْبَةِ النَّعْشِ / نَعَالُوا يَا رِفَاقَ الْقَيْدِ وَالْأَحْزَانِ / كَيِّ نَمَشِي / لِأَجْلِ ضِفَّةِ نَمَشِي  
/ فَلَنْ تَقَهَّرَ / لَوْ كُنَّ نَخَسَرَ / سِوَى النَّعْشِ. (درویش، 1944/142: ج 2).

ترجمه: باز نمی‌ایستم. اشتیاقی به خواب ندارم و می‌لرزم، زیرا تخت کسانی که در نیمه‌های راه خواب رفتند، بر ایشان به منزله تابوت است. ای کسانی که در زنجیر و غم و اندوه اسیر شده‌اید بیایید برویم. ما به خاطر ساحل می‌رویم. پس هرگز شکست نخواهیم خورد و چیزی جز جسدمان را از دست نخواهیم داد.

درویش با مخاطب قرار دادن دوستانش آنان را به پایداری و مقاومت تشویق می‌کند تا برای نبرد ورهایی از بند دشمن به مبارزه برخیزند. او با استفاده از "الن" و تکرار آن بر نپذیرفتن قطعی دشمن و حکومت او تأکید می‌ورزد و با آوردن عبارت "لا أهفوإلی نوم ... " به مقاومت و پایداری در برابر دژخیم تجاوزگر اشاره می‌کند.

حسینی نیز، مضمونی نزدیک به آنچه را ذکر کردیم در عباراتی می‌آورد:

برخیز شبانه نعره خون بزیم      بر لشکر آهنمن شیخون بزیم

(حسینی، 1387: 144)

او در شعر «المغیرات صباحاً» با لحنی حماسی رجز خوانی می‌کند و مردم را به قیام و مبارزه در راه دفاع از وطن دعوت می‌کند. نعره خون، که شاعر از آن یاد می‌کند بر شدت خروش احساس و غلیان حمیت او دلالت دارد.

### انعکاس مقاومت مردمی

رسالت ادبیات پایداری برانگیختن افراد، بسیج کردن ایشان، ایجاد بصیرت ملی، و سوق دادن افکار عمومی جامعه به سمت قیامی است که در خدمت مبارزه و جهاد مقدس باشد. از نظر درویش این مردم هستند که با چنین هوشیاری و اندیشه عمومی به مقاومت و پایداری در مقابل تجاوز اشغالگر می‌پردازند، نه حکومت‌ها و صاحبان منصب و افراد دارای جایگاه اجتماعی ویژه.

نَحْنُ الْوَاقِفُونَ عَلَى خُطُوطِ النَّارِ نَعْلُنُ مَا يَلِي  
لَنْ نُتَكِّمَ الْخَنْدَقَ  
حَتَّى يَمُرَّ اللَّيْلَ

(درویش، 1994، ج 2: 221)

ترجمه: این ما هستیم که بر خطوط مقدم جبهه استوار ایستاده‌ایم و این گونه اعلام می‌کنیم: هرگز خندقی را خالی نخواهیم کرد تا اینکه دشمن را از میدان مبارزه بیرون کنیم. شاعر می‌گوید: هرگز صحنه نبرد را خالی نخواهد کرد و در مقاومت و پایداری، ثابت قدم خواهد ماند، تا آن هنگام که برشب (نماد سختی و سیاهی) غلبه کند. او در این عبارت با آوردن "الواقفون" در ابتدای جمله، بر مقاومت و پایداری تأکید ورزیده است. حسینی نیز در «مثنوی عاشقانه» با بیانی حماسی، مردمی را به تصویر می‌کشد که در راه دفاع از میهن خود انواع ضربات و سختی‌ها را تحمل می‌کنند. شاعر دشمن را

مورد خطاب قرار داده و با او از شجاعت و پایداری مردمش می‌گوید. حسینی با آوردن واژه "هرگز" بر این پایداری تأکید بیشتری می‌ورزد.

اگر دشنه آذین کنی گردمان  
نبینی تو هرگز دل آزرده مان

(حسینی، 1387: 44-45)

### تحقیر دشمن

در صحنه نبرد، تحقیر و تضعیف روحیه دشمن از جمله عوامل دست‌یابی به پیروزی نهایی است و تحقیر هرچه بیشتر دشمن نمایانگر شجاعت و دل‌آوریهای مبارزان و پایداری ایشان در عرصه نبرد تا رسیدن به آزادی و پیروزی است.

ذَلِيلٌ أَنْتَ كَالْإِسْفَلِ / ذَلِيلٌ أَنْتَ / يَا مَنْ يَحْتَمِي بِسِتَارَةِ الضَّجْرِ / يَا غَبِي أَنْتَ  
... كَالْقَمَرِ / وَمَصْلُوبٌ عَلَى حَجْرٍ / فِدَعْنِي أَكْمَلُ الْإِنْشَادَ / دَعْنِي أَحْبِبُ الْإِعْصَارَ فِي كُمِّي / وَ  
دَعْنِي أَحْزَانَ الدِّيْنَامِيْتِ فِي دَمِي / ذَلِيلٌ أَنْتَ كَالْإِسْفَلِ / وَالْقَمَرِ... / غَبِي أَنْتَ  
(درویش، 1994: ج 1/147)

ترجمه: تو همانند آسفالت ذلیل هستی، تو خوار و حقیری. ای آن که به پوشش تشویش پناه می‌بری. تو همچون ماه<sup>1</sup> نادان هستی و بر سنگی به صلیب کشیده شده‌ای پس بگذار تا من شعر مرا تکمیل کنم بگذار بر باد شمال سوار شوم و گرد باده‌ها را در آستین پیراهنم محبوس و دینامیت را در خون خود ذخیره کنم. تو همچون آسفالت و ماه ذلیل هستی، تو نادانی.

درویش در شعر خود اصرار دارد که دشمن را ذلیل و کودن نشان دهد. او این اصرار عمدی خود را با به کارگیری لفظ "ذلیل" به نمایش گذاشته است و "آسفالت" در اینجا نیز نشانی از بی ارزش بودن است. شاعر در این ابیات با حالتی تمسخر آمیز



از دشمن می‌خواهد تا همچون دینامیت منفجر شود و خشم و غضب خود را به او بنمایاند.

حسینی در «مثنوی عاشقانه» با بیانی حماسی، مردمی را که در راه دفاع از میهن خود انواع ضربات و سختی‌ها را تحمل می‌کنند، به تصویر می‌کشد. او خطاب به دشمن؛ از شجاعت و پایداری مردمش می‌گوید و با آوردن واژه "هرگز" بر این پایداری تأکید بیشتری می‌ورزد.

خفاش که بر ستاره تسخر<sup>2</sup> می‌زد      اندیشه نور را به خنجر می‌زد  
دیدیم سحرگهان چو خورشید دمید      زیر قدم سپیده پرپر می‌زد

(حسینی، 1387:147)

#### تهدید دشمنان

تهدید دشمن در سروده‌های شاعران یکی دیگر از عناصر شعر مقاومت است. با تهدید هرچه بیشتر دشمن، پایداری و مقاومت مبارزان از شدت بیشتری برخوردار می‌گردد؛ چراکه تهدید دشمن، هشدار است به او. هر دو شاعر بر این مطلب پافشاری می‌کنند که هیچ انسان و شاعر آزاده‌ای زیر بار ذلت نرفته و تسلیم دشمن نمی‌شود.

وَلَوْ أَنَا عَلَى حَجْرٍ ذَبَحْنَا. "لن نقول: "نعم" (درویش، 1994: ج 2/221)  
ترجمه: و اگر ما را بر سکوی سلاخی به مسلخ برند، هرگز به خواسته دشمن پاسخ مثبت نخواهیم داد.

درویش مبارزه را تا سر حد مرگ ادامه می‌دهد. او به دنبال اثبات این موضوع است که: زیر بار ذلت نخواهد رفت. وی با آوردن واژه "لن" دشمن را تهدید می‌کند که هیچگاه از او اطاعت نخواهد کرد.

حسینی نیز در شعر «آتش محض» با بیانی حماسی به دشمنان و منافقین و نیز مخالفان انقلاب هشدار می‌دهد که در برابر همه ضرباتشان تا سرحد مرگ مقاومت خواهد کرد.

او در همین ارتباط می‌گوید:

«آتش محضیم منافق هشدار/پولاد از این کوچه به نرمی گذرد»

(حسینی، 1387: 153)

### شهادت

آنجا که پای دفاع از حقوق ملت و دفع تجاوز بیگانه به میان می‌آید، هر انسان آزاده‌ای، پایداری و دفاع از وطن خویش را بر خود واجب می‌داند و مرگ در این راه را بر زندگی همراه با ذلت و خواری ترجیح می‌دهد.

مَنْ يَقْتِفُ وَرْدَ الشَّهِيدِ؟ / اِنْتَظِرُوا يَا اَصْدِقَائِي، وَارْحَمُونَا... / وَمَا اَصْغَرَ هَذَا الْوَرْدَ / مَا اَكْبَرَ هَذَا الدَّمَ. (درویش، 1994: 189/2)

ترجمه: چه کسی گل‌های سرخ شهدا را می‌چیند؟ ای دوستان من، منتظرم بمانید و بر ما رحم کنید این گل چقدر کوچک است! این خون چقدر بزرگ است.

هدف درویش از طرح پرسش مزبور اشاره به خون شهداست که آیا به بار خواهد نشست یا نه؟ آیا ملت فلسطین از ثمره این گل‌ها [خون شهدا] بهره‌ای خواهند برد و پیروزی بزرگ در راه است یا خیر؟

او چند صفحه بعد در راستای تاکید بر همین مفهوم می‌گوید:

وَكَمْ نَعَثَرُ عَلَى شَيْءٍ يَدُلُّ عَلَى هُوَيْتِنَا / سِوَى دَمِنَا الَّذِي يَتَسَلَّقُ الْجُدْرَانَ.

(درویش، 1994: 196/2)

ترجمه: به چیزی که بر هویت‌مان دلالت کند دست نیافته‌ایم، مگر خون‌هایمان که از دیوار بالا می‌رود.

شاعر فلسطینی با خیال شاعرانه خویش از خون شهیدان برای اثبات هویت خود و به تصویر کشیدن شدت حملات دشمن و بالا بودن تعداد شهیدان بهره‌جسته و بالا رفتن از دیوار را به خون‌ها نسبت داده است و منظور او از این تصویرسازی - بالا رفتن خون از دیوارها - بیان شدت و فراوانی خون‌هایی است که بر زمین ریخته می‌شود. این خون‌ها به دریایی خروشان بدل می‌شود که ارتفاع آن از بلندای دیوارها نیز فراتر می‌رود.

شاعر ایرانی نیز در یکی از ابیات شعر «نیام خنجر»، به شهادت جمعی از مبارزان اشاره می‌کند. او شهیدان را به ستاره تشبیه می‌کند و گویا مقصود او از "خورشید" اشاره به وطن است که با سرشک خود خون باریده است، یعنی با خون شهیدان گلگون گشته است.

خورشید، سحر سرشک خون می‌بارید      یک کرب و بلا ستاره پرپر شده بود  
(حسینی، 1387: 152)

#### ستایش از مقام شهیدان

شهید با فدا ساختن جان خود در راه دفاع از وطن و نیز در دنیا جایگاهی والا می‌یابد و از این روی شایسته ستایش و تمجید است.

أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ قَدْ كُنْتُمْ عَلَى حَقٍّ، لِأَنَّ الْبَيْتَ أَجْمَلُ مِنْ طَرِيقِ الْبَيْتِ، رُغْمَ خِيَانَةِ  
الْأَزْهَارِ (درویش، 1994: ج 2/435)

ترجمه: ای شهیدان حق با شما بود چرا که علی‌رغم خیانت شکوفه‌ها، خانه زیباتر از مسیر خانه بود.

درویش در این بیت به حقانیت راه شهیدان اشاره می‌کند. او با استفاده از اسلوب خطابی شهیدان را مورد ندا قرار داده و به آنها می‌گوید خانه شما - جایگاه شهیدان پس از شهادت - بسیار زیباتر و دلنشین‌تر از سختی‌هایی است که در مسیر مبارزه و انقلاب تحمل کرده‌اید. او به آنها اطمینان می‌دهد که اگرچه انقلاب هنوز به بار ننشسته، اما راه ایشان بر حق بوده است و آنها به سعادت ابدی دست یافته‌اند. غرض از به کارگیری حرف ندا "ایها" در این بیت، تاکید بر مفهوم تعظیم و تمجید مقام شهید است. حسینی نیز در شعر «خونبها» به توصیف حماسه رزمندگان ایرانی می‌پردازد و از ستایش شجاعت‌ها و دلاوری‌های ایشان خود را ناتوان می‌بیند. وی معتقد است که در این مسیر فقط باید سکوت اختیار نمود.

«با من بگویند / تکلیف لفظ ناتوان "حماسه" / غیر از سکوت / در قبال نام ملکوتی

شما چیست؟»

(حسینی، 1386: 24)

#### جاودانگی شهید

با توجه به تعالیم آسمانی قرآن (آل عمران/169) که می‌فرماید: «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاهُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزِّقُون» شهیدان زندگانند و در نزد پروردگارشان از روزی نیکو بهره‌مندند، محمود درویش و حسینی نیز افرادی را که در راه رسیدن به آزادی و تحقق اهداف بزرگ خود کشته می‌شوند را مرده به شمار نمی‌آورند بلکه ایشان را زندگانی جاوید می‌دانند.

بِیْرُوتَ لَيْلًا / يُخْرِجُ الشُّهَدَاءُ مِنْ أَشْجَارِهِمْ، يَتَفَقَّدُونَ صِغَارِهِمْ، يَتَوَجَّحُونَ عَلَى السَّوَاحِلِ / يَرِصِدُونَ الْحِلْمَ وَالرَّوِيَا، يَغْطُونَ السَّمَاءَ بِفَلَقِ الْأَلْوَانِ / يَفْتَرِسُونَ مَوَاقِعَهُمْ / يَغْسِلُونَ الْمَاءَ ثُمَّ يُطْرَرُونَ حِصَارَنَا وَتَحَلًّا.

ترجمه: شباهنگام در بیروت، شهدا از درختان این شهر - درخت، رمزی برای قبر شهیدان است - خارج می‌شوند و به فرزندان خود سرکشی می‌کنند. ایشان در سواحل به گردش می‌پردازند و به کمین [محقق شدن] رویا نشسته‌اند؛ آنها آسمان را رنگ و لعاب می‌بخشند و جایگاه خویش را فرش می‌اندازند و جزیره را صدا می‌زنند، آب را می‌شویند و سپس حصارهای ما و درختان را نقش و نگار می‌زنند. درویش معتقد است شهیدان زنده اند به همین دلیل می‌توانند به فرزندانشان سر بزنند. او با استفاده از عبارت "یرصدون الحلم والرویا" بیان می‌دارد که شهیدان منتظر تحقق یافتن رویاهایشان هستند و این رویا، همان آزادی است. او پاکی و زلالی وجود این شهیدان را به اندازه‌ای می‌داند که حتی آب را نیز با پاکی خود شستشو داده و طهارت می‌کنند. حسینی در شعر «غزل لاله رخان» به طور صریح به زنده بودن شهیدان اشاره دارد او طبق آیه قرآن بر این اعتقاد است که این شهیدان زنده‌اند. شاعر در ادامه با لحنی کنایه‌آمیز نسبت به انسانهایی که بر سفره خاک نشسته‌اند و گمان می‌کنند که زنده‌اند، می‌گوید: شما زنده خاکید نپندارید که شهیدان مرده‌اند ایشان زندگان جاویدانند.

«روزی خوران سفره عشق‌اند تا ابد / ای زندگان خاک! مگویید مرده‌اند»

(حسینی، 1387: 20)

### صلح و آزادی

هدف از مبارزه و ایستادگی در برابر تجاوز دشمنان دست‌یابی به آزادی و رهایی از چنگال تجاوزگران و برقراری صلح و آرامش است. در ملیتهای مختلف نیز "صلح و آزادی" نمادها و تعاریف مختلفی را به خود اختصاص می‌دهد.

مثلا محمود درویش در این رابطه می‌گوید:

أَيُّهَا الْبَحْرُ الَّذِي يَسْطُرُ مِنَّا كَالْمَدِينِ /! أَلْفَ شَبَّانٍ عَلَى تَابُوتِكَ الْكُحْلِيِّ مَفْتُوحٍ

(درویش، 1994: ج 2/157)

ترجمه: ای دریایی [سرزمین فلسطین به دریا تشبیه شده است] که همچون شهرها از دست ما سقوط می‌کنی، هزاران پنجره بر روی تابوت خاکستریت باز هستند. شعر درویش «از هر نمادی برای اشاره به وطن استفاده می‌کند. جان کلام درویش، فلسطین و امید به آزادی این سرزمین است» (بیدج، 1389: 191 و 92). او دریا را نماد سرزمین فلسطین می‌داند و سقوط آن را به سقوط موج‌های دریا بر روی ساحل تشبیه کرده است. وجه شبه این دو سقوط موقت و بازگشت دوباره آنهاست. موج، گرچه بر ساحل سقوط می‌کند اما دوباره به دریا باز می‌گردد، از همین روی فلسطین و شهرهای آن اگرچه در ظاهر سقوط می‌کنند، اما در واقع این سقوط موقتی است و آن شهرها دوباره به دامن سرزمین فلسطین بازخواهند گشت.

در شعر حسینی، پرداختن به مفهوم «صلح و آزادی» به گونه‌ای دیگر صورت پذیرفته است. باورهای دینی و شیعی شاعر به مضمون یادشده، رنگ انتظار می‌بخشد. «صبحی دگر می‌آید ای شب زنده داران / از قله‌های پر غبار روزگاران / این است باران / با تیغ آتش می‌درد آن وارث نور / در انتهای شب گلوی نابکاران» (حسینی، 1387: 31).

در نگاه او منجی موعود - حضرت مهدی (عج) - تحقق آرمانهای بشری و صلح و آزادی نهایی است. شاعر ایرانی در شعر «وارث نور» منتظران را با ظهور امام زمان (عج) به آینده‌ای روشن توأم با آزادی و صلح بشارت می‌دهد.

#### شعر؛ سلاح مبارزه

مبارزه در راه دفاع از سرزمین به شیوه‌های مختلفی انجام می‌پذیرد، از مهم‌ترین این شیوه‌ها، سرودن شعر است؛ چرا که به دلیل بهره‌مندی از قوه خیال و صدق عاطفه، تأثیر

شگرف و خارق‌العاده‌ای در برانگیختن مخاطب و تهییج او در راه دفاع از وطن را برعهده دارد. «محمود درویش یکی از بسیارها شاعر فلسطینی است که شعر خود را وقف نهضت مبارزه با اسرائیل کرده‌اند» (شفیعی کدکنی، 1387: 249). او خود در این باره چنین می‌سراید:

سَنَكْتُبُ مِنْ أَجْلِ لَا نَمُوتُ، سَنَكْتُبُ مِنْ أَحْلَامِنَا / سَنَكْتُبُ أَسْمَاءَنَا كَيْ تَدُلَّ عَلَي  
أَصْلِهَا شَرَقَ أَجْسَامِنَا

(درویش، 1994: ج 2/372)

ترجمه: برای چیزی که به خاطر وجود آن نمی‌میریم؛ خواهیم نوشت، از رویاهایمان خواهیم نوشت، نام‌های خود را در سمت شرق بدن‌هایمان خواهیم نوشت تا بر اصالت شرقیمان تاکید کند.

آنچه باعث پررنگ‌تر شدن مقصود شاعر در ذهن مخاطب شده است تکرار فعل «سنکتب» است؛ که شاعر در واقع شعر خود را برای ثبت آرزوها، عدم پذیرش مرگ و فناء آن و تشویق آیندگان به پایداری و مقاومت به کار می‌برد. استفاده از فعل مذکور دلالت بر استمرار و تداوم عمل سرودن شاعر دارد بدین معنا که تا آخرین لحظه با سرودن شعر از مبارزه کلامی در راه دفاع از سرزمینش دست بر نخواهد داشت. حسینی در همین باره می‌گوید:

«من شعرهایم را / برای نسل دیگر پست خواهم کرد». (حسینی، 1387: 92)

شاعر پارسی زبان در شعر «پیغام» خواسته است تا اشعارش نسل به نسل منتقل شود تا پیام پایداری را به آیندگان برساند و آنان را بدین واسطه به ایستادگی و مقاومت در راه دفاع از وطن خود تشویق کند.

## نتایج پژوهش

مهم‌ترین عناصر ادبیات پایداری در شعر «سیدحسن حسینی» و «محمود درویش» احساس تعلق به سرزمین، دفع تجاوز اشغالگران، عشق به وطن، حفظ عزت، و نپذیرفتن ذلت است. در کنار موارد یاد شده، نگارندگان همسانی‌ها و تفاوت‌های حاصل از بررسی درون‌مایه‌های پایداری در شعر دو شاعر را از قرار زیر می‌دانند:

1- رهایی فلسطین از چنگال صهیونیست‌ها و حفظ هویت ملی، در کنار عشق شدید به این سرزمین مقدس و دفاع از آن تا پای جان، از اساسی‌ترین دغدغه‌های محمود درویش در حوزه ادبیات پایداری است. گستره مضامین مرتبط با رهایی سرزمین در اشعار مقاومت ید حسن حسینی، به دلیل عدم اشغال میهن شاعر بسیار محدود و ناچیز است.

2- دفاع جانانه از وطن و مبارزه برای رهایی و دفع تجاوز دشمن در شعر مقاومت هر دو شاعر بازتابی یکسان دارد. وجه تمایز در نوع مبارزه است، بدین صورت، که نبردهای خیابانی و مبارزات چریکی در شعر محمود درویش پررنگ و واضح است، حال آن که در شعر حسینی، بازتابی ندارد.

3- پایداری و مقاومت مردمی و به تصویر کشیدن اوضاع نابسامان آن از مفاهیم مشترک شعردو شاعر است با این تفاوت که فاجعه نسل‌کشی، آوارگی، اخراج از سرزمین و بی‌تفاوتی جامعه جهانی در برابر سرنوشت آوارگان فلسطینی در اشعار محمود درویش شاعر مقاومت نمود بیشتری دارد. در برابر، در شعر حسینی دفاع و پایداری مردم را در برابر تجاوز دشمنان می‌بینیم در حالی که مواردی چون نسل‌کشی، آوارگی، اخراج از سرزمین و... در شعر او انعکاس چندانی ندارد.



4- ترسیم جنایات دشمن و صحنه‌های مبارزه و خونریزی و درگیری با دژخیمان در شعر هر دو شاعر یکسان است. با این تفاوت که درویش سلطه و اشغالگری اسرائیل را محکوم می‌کند. حال آنکه به دلیل عدم اشغال ایران توسط عراق این امر در شعر حسینی منتفی است.

5- پرداختن به موضوع شهادت و مفاهیم وابسته به آن همچون: مبارزان شهید، مقام شهید، ستایش و مرثیه سرایی برای شهید از وجوه مشترک شعر پایداری در شعر هر دو شاعر انقلابی است. تفاوت آنها در این است که درویش در شعرش، عملیات استشهادی را راهی برای مبارزه می‌داند حال آن که در شعر حسینی چنین اقداماتی نمودی ندارد.

6- پیروزی، صلح و آزادی از والاترین اهداف و آرمان‌های شاعران مقاومت ایران و فلسطین است، با این تفاوت که درویش بدان امید که آینده‌ای توأم با صلح و آرامش در انتظار مبارزان است، نوید رهایی و آزادی را به آنها می‌دهد و مبارزان و مردم فلسطین را به پایداری تشویق می‌کند. حال آنکه اشعار مرتبط با ظهور امام عصر (عج)، آرمانی-ترین اشعار حسینی است. او معتقد است با ظهور آن حضرت صلح و آزادی جهانی تحقق خواهد یافت.

7- سیدحسن حسینی و محمود درویش دو شاعر مقاومت در ادبیات ایران و فلسطین توانسته‌اند با بهره‌گیری از عواطف صادقانه و خیال شاعرانه خویش در برانگیختن احساسات میهن‌پرستانه و عشق به وطن و دفاع جانانه از آن و عدم پذیرش ذلت به خوبی عمل کرده‌اند. می‌توان گفت: اشعار مقاومت این دو شاعر همچون ابزاری است که در راستای تهییج و تحریک مردم در مبارزه و دفاع از میهن شان به خوبی به کار گرفته شده است و انعکاس گسترده‌ای نیز در افق تکامل ادبیات پایداری سرزمینشان داشته است.

### پی‌نوشت‌ها

- 1- در ادبیات معاصر عربی، دو عنصر ماه و پروانه، نماد نادانی و حماقت به شمار می‌آیند.
- 2- تسخر زدن: ریشخند زدن و استهزا کردن.

## منابع

### الف: کتابها

- القرآن الکریم
- الراجحی، عبده (1428هـ. 2007م): *محاضرات فی الأدب المقارن*، بیروت، دارالنهضة العربیة.
- اسوار، موسی (1385ش): *آخر شب*، تهران: انتشارات رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران.
- بیدج، موسی (1389ش): *مقاومت و پایداری در شعر عرب از آغاز تا امروز*، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- جحا، میثال (1999م): *اعلام الشعر العربی الحدیث*، بیروت، دارالعودة.
- حسینی، سید حسن (1386ش): *گنجشکو جبرئیل*، ج 6، تهران: نشر افق.
- حسینی، سید حسن (1387ش): *هم صدا با حلق اسماعیل*، ج 4، تهران: انتشارات سوره مهر.
- حنطور، محمد علی (2008م): *فی الأدب المقارن*، القاهرة، مكتبة الآداب
- الخطیب، حسام، *آفاق الأدب المقارن عربیاً وعالمیاً*، دار الفكر المعاصر.
- درویش، محمود (1964م): *اوراق الزيتون، حيفا*، مطبعة الاتحاد التعاونیة.
- درویش، محمود (1994م): *دیوان محمود درویش ج 2 و 1*، بیروت، دار العودة.
- زرین کوب، عبدالحسین (1369ش): *نقد ادبی ج 1*، تهران.
- سنگری، محمد رضا (1380ش): *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*، تهران: انتشارات پالیزان.
- سلیمان، خالد الله (1376هـ.ش): *فلسطين وشعر معاصر عرب*، ترجمه: شهره باقری و عبدالحسین فرزاد، چاپ تهران، چشمه.
- شکری، غالی (1366ش): *ادب مقاومت*، ترجمه: محمد حسین جمالی، تهران، نشر نو.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (1387ش): *شعر معاصر عرب*، تهران: انتشارات سخن.
- طه، ندا (1387ش): *ادبیات تطبیقی*، تهران: نشر نی.

- غنیمی هلال، محمود (1373ش)؛ ادبیات تطبیقی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کنفانی، غسان (1968م)؛ «ابعاد ومواقف من أدب المقاومة الفلسطينية»، مجله الآداب، العدد الرابع، بیروت.
- کفافی، عبدالسلام (1972م)؛ فی الأدب المقارن دراسات فی نظریة الأدب والشعر القصصی، بیروت، دارالنهضة العربیة.
- کاکائی، عبدالجبار (1380ش)؛ بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران: انتشارات پالیزان.
- کرانگ، مایک (1383ش)؛ جغرافیای فرهنگی، ترجمه: مهدی فرخلو، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی روزبهانی، محبوبه (1389ش)؛ قسم به نخل قسم به زیتون (بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین) تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.

ب. مجلات

- آینه وند، صادق (1370ش)؛ ادبیات مقاومت، کیهان فرهنگی، شماره 79.

ج. اینترنت